

تبیین جامعه‌شناختی سرمایه اجتماعی خانواده و فضای مجازی (مورد مطالعه: شهر اصفهان)

ابراهیم انصاری^۱، مسعود کیانپور^۲، پری عطایی^{۳*}

۱- استاد یار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی دهقان

۲- استاد یار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

۳- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی دهقان

چکیده

فناوری‌های ارتباطی جدید و بزرگراه‌های اطلاعاتی آن، به ویژه فضای مجازی، منجر به تحول در شدت و میزان ارتباط انسان‌ها در اقصی نقاط جهان شده‌اند و تحولی کیفی نیز در این ارتباطات ایجاد کرده‌اند. امروزه با استفاده از اینترنت و با حضور در این بزرگراه، امکان بهره‌گیری از انبوهی از اطلاعات در کمترین زمان ممکن و برقراری ارتباط گفتاری، نوشتاری و دیداری با هزینه‌ای نسبتاً کم فراهم آمده است. خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین قدرت‌های تربیتی از انسان‌ها مراقبت می‌کند و این عمل را همان‌گونه انجام می‌دهد که زندگی اجتماعی آن را می‌خواهد. درحقیقت افراد در خانواده بسیاری از ظرفیت‌ها را جهت زندگی در جامعه کسب می‌کنند. از جمله این ظرفیت‌ها سرمایه اجتماعی است. با توجه به اهمیت این مسئله در این مقاله به بررسی تاثیر فضای مجازی بر سرمایه اجتماعی افراد در خانواده‌ها پرداخته شده است. پژوهش حاضر به صورت پیمایشی و با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای و

بهره‌گیری از پرسشنامه محقق ساخته، با تکیه بر نظریه‌های مربوط به این حوزه صورت گرفته است. جامعه آماری خانواده‌های دارای فرزند بالاتر از ۱۵ سال شهر اصفهان هستند. متغیر استفاده از فضای مجازی با دو شاخص کمیت و کیفیت و متغیر سرمایه اجتماعی با چهار شاخص اعتماد، انسجام، مشارکت و حمایت اجتماعی سنجیده شده است. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که کیفیت و کمیت استفاده از فضای مجازی، بر سرمایه اجتماعی خانواده تاثیر داشته است. بدین معنا که هرچه میزان استفاده از فضای مجازی بیشتر باشد سرمایه اجتماعی که ناشی از ارتباط افراد در دنیای واقعی و ارتباطات رودر رو است، کاهش پیدا می‌کند.

واژه‌های کلیدی: فضای مجازی، خانواده، سرمایه اجتماعی، مشارکت، اعتماد، انسجام.

مقدمه و بیان مسأله

خانواده اساسی‌ترین و نخستین نهاد اجتماعی و یک گروه پویاست که اعضای آن با برقراری ارتباط با یکدیگر و انجام کار و فعالیت مشترک هدف مشترکی را نیز دنبال می‌کنند. این ارتباط به درستی انجام نمی‌گیرد مگر آنکه اعضای خانواده با نوعی تفهیم و درک متقابل با یکدیگر تعامل داشته باشند و مهمترین کارکرد خود که انتقال ارزشها و اجتماعی نمودن فرزندان است را به انجام رسانند. دوران کنونی زندگی انسان‌ها به لحاظ فرهنگی یک دوران خاص و پیچیده است، دورانی که جهان و جامعه‌ی ما به وسیله‌ی امواج رسانه‌های ارتباطی احاطه شده‌اند. دهکده جهانی و جامعه‌ی شبکه‌ای عناوینی هستند برای توصیف جهان و جامعه‌ی جدید؛ جهان و جامعه‌ای که در آن فرهنگ‌ها به شکل بی‌سابقه‌ای با همدیگر به تبادل پرداخته‌اند. برخی با چشمانی نگران به این تبادل می‌نگرند و آن را نه یک تبادل، بلکه نوعی تهاجم به شمار می‌آورند، تهاجمی که به زعم آنها از سوی فرهنگ‌های مسلط مربوط به جوامع توسعه یافته و سرمایه داری به سوی جوامع توسعه نیافته و جهان سوم در جریان است؛ برخی دیگر معتقدند این تبادل فرهنگی در نهایت به نفع جوامع در حال توسعه خواهد بود؛ چنین جوامعی می‌توانند با اقتباس عناصر فرهنگی جوامع مدرن به پیشرفت و توسعه در ابعاد گوناگون دست یابند. به طور کلی، گروه اول نسبت به ظهور جهانی شدن، به ویژه جهانی شدن فرهنگی،

بدین بوده و گروه دوم نسبت به آن خوشبین هستند. اما رویکرد سوم نسبت به پدیده‌ی جهانی شدن محتاطانه می‌نگرد. چنین رویکردی نسبت به این فرایند نه کاملاً بدبین است و نه کاملاً خوشبین. این رویکرد مبتنی بر این پیش فرض بنیادی است که فرهنگ از محدود دستاوردهای بشری است که به کندی دچار تغییر می‌شود، از این رو، نگرانی نسبت به بروز چالش‌های فرهنگی در فرایند جهانی شدن ناشی از عدم درک مکانیسم تغییرات و تحولات فرهنگی است. بر این اساس نظام اجتماعی در جامعه دچار ضعفی گردد و علاوه بر آنکه پیوند عاطفی بین اعضای این نظام کمرنگ شده و انسجام آن نیز دچار تزلزل خواهد شد. از طرف دیگر به دلیل ارتباط دوطرفه‌ای که کاربران در فضای مجازی برقرار می‌کنند و محدودیتی از نظر زمانی و مکانی وجود ندارد افراد با رغبت و به راحتی وارد این رابطه‌ها شده و روابط با اطرافیان را در حد ضرورت حفظ می‌کنند. از طرفی یکی از مهمترین ظرفیت‌هایی که برای افراد توانایی حضور موثر در جامعه را ایجاد می‌کند سرمایه اجتماعی است. از نظر بورديو، سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر، عضویت در یک گروه است (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۴۸ و ۱۴۷). از طرفی وقتی صحبت از فضای مجازی به میان می‌آید مردم اغلب به کامپیوتری فکر می‌کنند که به اینترنت متصل است در حالیکه این فقط بخش بسیار کوچکی از فضای مجازی را تشکیل می‌دهد. صاحب‌نظران فضای سایبر^۱ را به مجموعه‌ای از ارتباطات درونی انسانها از طریق کامپیوتر و وسایل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی تعریف کرده‌اند. تسهیل روابط از طریق ابزارهای الکترونیکی باعث شده تا بسیاری از جنبه‌های ارتباط انسانها و امور مرتبط با آن مانند سرمایه اجتماعی تحت تاثیر قرار بگیرد. از نظر کلمن سرمایه اجتماعی هنگامی ایجاد می‌شود که روابط میان اشخاص به شیوه‌ای تغییر یابد که کنش را آسان سازد. بنابراین به اعتقاد او سرمایه اجتماعی شی واحدی نیست، بلکه جنبه‌های متفاوت ساختار اجتماعی را در بر می‌گیرد که کنش جمعی و فردی را ترویج می‌نماید (کلمن، ۱۳۷۷: ۶۲۳). جنبه‌هایی مانند اعتماد، مشارکت و همبستگی اجتماعی که در روابط اجتماعی بسیار تاثیر گذار است. طبق آمارهای ارائه شده مرکز مدیریت توسعه ملی اینترنت در آخرین گزارش

خود، شمار کاربران اینترنت در ایران تا پایان ۶ ماهه نخست سال ۹۱ بالغ بر ۴۵ میلیون و ۵ هزار و ۶۴۴ نفر اعلام شده است که به وسیله پارامترهایی چون اینترنت دایال آپ، اینترنت ADSL، اینترنت موبایل GPRS، وایمکس و فیبر به شبکه متصل می‌شوند. استان اصفهان به عنوان سومین استان کشور بعد از استان مازندران و تهران بالاترین ضریب نفوذ اینترنت را به خود اختصاص داده است (مرکز مدیریت توسعه ملی اینترنت، ۱۳۹۲). شهر اصفهان نیز به عنوان یکی از بزرگترین کلان شهرهای ایران همچون دیگر مناطق کشور تحت نفوذ اینترنت می‌باشد به دلیل اثرگذاری امکانات ارتباطی بر روابط افراد در خانواده باعث شد، محقق در پژوهش حاضر به بررسی تاثیر استفاده از فضای مجازی بر سرمایه‌اجتماعی در خانواده‌ها در شهر اصفهان بپردازد. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تاثیر استفاده از فضای مجازی بر سرمایه اجتماعی در خانواده‌ها می‌باشد. از آنجا که ارتباطات افراد از طریق فضای مجازی منجر به تغییراتی در زندگی فردی و اجتماعی آنها می‌شود، محقق بر آنست که به بررسی تاثیر فضای مجازی بر برخی از ابعاد سرمایه اجتماعی در بین خانواده‌های شهر اصفهان بپردازد.

پیشینه پژوهش

گنجی در پژوهش خود با عنوان "بررسی الگوی کاربران اینترنت و عوامل اجتماعی موثر بر آن" در سال ۱۳۸۵ به بررسی الگوی کاربران اینترنت در ایران پرداخته است. این پژوهش نشان می‌دهد که به میزانی که محدودیت ارتباطات اجتماعی بیشتر می‌شود، افراد تمایل بیشتری به بهره‌گیری از الگوی ارتباطی اینترنت نشان می‌دهند. پیوند اجتماعی نیز در این زمینه نقش مهمی دارد. به عبارت دیگر، کسانی که، بنا به علل مختلف، دارای پیوند اجتماعی قوی‌تر هستند، تمایل کمتری به بهره‌گیری از الگوی ارتباطی اینترنت، به ویژه الگوی ارتباطی نامناسب و نابهنجار، پیدا خواهند کرد. عواملی همچون دلبستگی به دیگران و افراد پیرامونی، تعهدات گوناگون، همچون تعهد نسبت به خانواده، شغل، دوستان و غیره، درگیری‌ها و مشغله‌های مختلف همچون مشارکت مداوم در فعالیت‌های زندگی، کار، خانواده، و غیره و باورها، ارزش‌ها و اصول اخلاقی، نقش اساسی در این زمینه ایفا می‌کنند (گنجی، ۱۳۸۵: ۱۵۲-۱۴۶).

دوران در پژوهشی که با عنوان "تاثیر فضای سایبر نتیک بر هویت اجتماعی" در سال ۱۳۸۵ انجام داده است نشان می‌دهند که انزوا یا عدم انزوای کاربران اینترنت به زمینه‌های اجتماعی، هویتی و فرهنگی آنها بستگی دارد. به طور مثال، اینترنت برای افراد برون‌گرا، یا کسانی که از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردارند، دستاوردهای خوبی فراهم می‌کند، همچون بهبود وضعیت مشارکت در جامعه، بالا بردن عزت نفس، کاهش تنهایی و... اما برای افراد درون‌گرا، یا آنانکه از حمایت اجتماعی کمتری برخوردارند، می‌تواند پیامدهای منفی داشته باشد. استفاده‌ی بیشتر از اینترنت برای نوجوانان و بزرگسالان نیز پیامدها و نتایج متفاوتی داشته است، مثلاً، برای بزرگسالان باعث بالا رفتن میزان ارتباطات چهره به چهره و محلی و نزدیکی‌شان به دوستان و بستگان دور شده است (دوران، ۱۱۸:۱۳۸۱-۱۱۷).

برتون در پژوهشی با عنوان "آیین اینترنت، تهدیدی برای پیوند اجتماعی" به پیامدها و آثار مخرب اینترنت، پرداخته است که در ایالات متحده روی ۲۵۶ نفر در طی دو سال انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که استفاده از اینترنت حلقه‌ی روابط اجتماعی دور و نزدیک را کاهش داده، گوشه‌گیری و، در نتیجه، افسردگی، را افزایش می‌دهد. در نتیجه، نوع جدیدی از گوشه‌گیران در همه جا ظاهر می‌شوند که فقط دارای ارتباط اطلاعاتی و ابزاری هستند. این افراد یک پیوند اجتماعی را بنا می‌کنند که دیگر شباهتی به پیوند اجتماعی جامعه‌ی بشری ندارد (برتون، ۱۳۸۲: ۱۶۵-۱۶۲ به نقل از ساروخانی).

بیگر در پژوهشی، که در سال ۲۰۰۰ انجام گرفته است، نشان می‌دهد که اینترنت برای زنان یکی از ابزارهای ایجاد ارتباط تماس‌های بیشتر با شبکه‌های اجتماعی، چون دوستان و خانواده‌ی‌شان، بوده است. این زنان اظهار داشته‌اند که با استفاده از اینترنت، احساس پیوند اجتماعی و حمایت عاطفی بیشتر می‌کنند (بیگر، به نقل از گنجی، ۱۴:۱۳۸۵).

نتایج پژوهش جوانا کارالهو و همکاران با عنوان "عملکرد خانواده و فناوری خانواده" (۲۰۱۵)، نشان می‌دهد در زندگی روزمره خانواده یک محل برجسته در حوزه پژوهشی به دست آورده است. در این مقاله به بررسی ۴۵ مقاله بین سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۱۳ منتشر شده در بررسی رابطه فناوری اطلاعات و ارتباطات و عملکرد خانواده فراهم می‌کند. جستجو بر روی پژوهش‌های انجام شده در حوزه‌های نگرش نسبت به فناوری اطلاعات و

ارتباطات، انواع ICT و استفاده از الگوها، انسجام خانواده، نقش خانواده، قوانین و درگیری بین نسلی، و مرزهای خانواده است. نتایج نشان می‌دهد که فناوری اطلاعات و ارتباطات تغییرات کیفی در عملکرد خانواده، شکل جدید حالات تعامل ایجاد کرده و ضرورت چینش دوباره الگوهای رابطه در خانواده را نشان می‌دهد.

در یک جمع بندی می‌توان به این نکته دست یافت که تحقیقات فراوانی پیرامون مسئله پژوهش انجام شده که هر کدام ابعادی را مورد بررسی قرار داده اند، اما محقق پژوهشی که به بررسی تاثیرات فضای مجازی بر خانواده‌ها پرداخته باشد نیافت. با توجه به اینکه خانواده از بنیادی ترین ارکان در همه جوامع محسوب می‌شود و آسیب در آن به سایر ارکان جامعه نیز تسری پیدا می‌کند و از طرف دیگر سرمایه اجتماعی از مهمترین مولفه‌هایی است که در برقراری ارتباط با دیگران و زندگی اجتماعی به افراد کمک می‌کند در پژوهش حاضر سعی شده تا به بررسی تاثیر فضای مجازی بر سرمایه اجتماعی افراد در خانواده‌ها پرداخته شود.

مبانی نظری پژوهش

ابتدا لازم است برای درک بهتر مسئله به شناسایی مفاهیم اصلی پژوهش بپردازیم نظریه پردازان معتقدند فضای مجازی^۱ عبارت است از "فضای قابل هدایت" که به معنای هدایت کردن وسکان داری کشتی است (kizza,1998:131). از نگاه دیوید بل فضای مجازی فقط مجموعه‌ای از سخت افزار نیست بلکه مجموعه‌ای از تعاریف نمادین است که شبکه‌ای از عقاید و باورها را در قالب داد و ستد بین افراد رد و بدل می‌کنند. برخلاف فضای واقعی در فضای مجازی نیاز به جابجایی‌های فیزیکی نیست همه فعالیت‌ها از طریق فضای سایبر صورت می‌گیرد و باعث ایجاد شبکه عظیمی از افراد می‌شود که مرزهای سیاسی و جغرافیایی را در هم می‌شکنند و گاه مرزهای فرهنگی را کمرنگ می‌کنند و بر تمام ابعاد زندگی بشر تاثیر می‌گذارند (Suler,2008:6).

از نظر ولمن، افراد متفاوت به شبکه‌های متفاوت متصل می‌شوند و می‌توانند برای یک فرد منابع متنوع تری فراهم آورند. اما در زندگی واقعی معمولاً با افرادی رابطه برقرار می‌کنند که به

خود آنان شباهت دارند و از این جهت منابع موجود در شبکه اجتماعی شخصی خود را کاهش می‌دهند. اما در فضای مجازی شرایط به گونه‌ای دیگر است، عدم شناخت اولیه از کسانی که در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مجازی حضور دارند احتمال ایجاد رابطه میان افراد بسیار متفاوت را فراهم می‌آورد. چنین رابطه‌ای که تنوع بیشتری نسبت به روابط موجود در زندگی واقعی دارند توان شخص را برای دستیابی به منابع بیشتر (بویژه اطلاعات بیشتر و متنوع‌تر) فراهم می‌آورد. هر چند ممکن است این پیوندها ضعیف پنداشته شوند (محسنی، ۱۳۸۵: ۸۲). کاستلز نیز معتقد است فضای مجازی، مکان نیست، دالان و راهرویی بین مکانها است. شما در حالی که در محل خودتان اقامت دارید، می‌توانید در فضای مجازی گردش کرده و مردمی را ملاقات کنید که در مکانهای دیگری زندگی می‌کنند، اما می‌توانید با استفاده از فضای مجازی در جهان ذهنی خودتان باشید. بنابراین فضای مجازی نوعی فرا فضا و فضای ذهن است فضایی که ما هر روز در آن دست به عمل می‌زنیم و با مردم و اندیشه‌ها و مکان‌ها و زمان‌هایی دیگر ملاقات می‌کنیم (کاستلز و اینیس، ۱۳۸۴: ۴۷، به نقل از کیخایی).

گیدنز معتقد است تغییرات ساختاری در قدرت، به واسطه سطوح چندگانه جهانی شدن مانند مبادله پولی، پیشرفت‌های فناوریانه و مردم سالاری سیاسی گسترده، باعث تغییر و دگرگونی حس ما از زمان و مکان شده است. در جوامع پیشامدرن، زمان و مکان یکنواخت و همبسته بودند، به این معنی که مردم به تعامل در مجاورت یکدیگر و برقراری ارتباطات شفاهی بایکدیگر تمایل داشتند؛ اما یکی از پیامدهای مهم مدرنیته این است که ظرفیت ما برای زندگی و کار در گستره زمان و مکان به صورت مجزا از یکدیگر، گسترش یافته است. به نظر گیدنز، کنش‌های روزمره به وسیله خود کنش‌گران به لحاظ ساختاری مقید می‌شود و فناوری‌های رسانه‌ای نیز در این امر دخیل هستند. در فرایند امتداد زمان و مکان، تجربیات رسانه‌ای شده، قادر به وادار کردن رویدادهای متفاوت به درون آگاهی روزمره است که می‌تواند به احساس عدم امنیت و واژگونی واقعیت منجر شود. برای وی، تجربیات رسانه‌ای شده، شرط بیرونی کنش هستند که به ما اطلاعاتی درباره دیگران می‌دهند و روایتی را که ما درباره دیگران داریم، تغییر می‌دهند این تغییرات در حوزه سرمایه اجتماعی بسیار مشهود است (Laughey, 2007, p.97).

متغیر وابسته پژوهش حاضر سرمایه اجتماعی است. لیداجی هانیفان در وصف سرمایه اجتماعی می‌گوید: "چیزی ملموس که بیشترین آثار را در زندگی روزمره مردم دارد: حسن نیت، رفاقت همدلی و ارتباط و معاشرت اجتماعی در بین افراد و خانواده‌ها که سازنده واحد اجتماعی‌اند (ولکاک و نارایان ۱۳۸۴: ۵۲۴-۵۳۳). پاتنام سرمایه اجتماعی را جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی از قبیل هنجارها، شبکه‌های اجتماعی و اعتماد متقابل می‌داند که همیاری و هماهنگی افراد را برای دستیابی به منافع مشترک تسهیل می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵).

به زعم بوردیو سرمایه اجتماعی جمع منابع بالقوه‌ای که حاصل شبکه با دوامی از روابط نهادینه شده‌ی آشنایی و شناخت متقابل یا به عبارتی عضویت در گروه است: شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند، و آنان را مستحق «اعتبار» می‌سازد.

از نظر بوردیو حجم سرمایه اجتماعی مورد تملک یک فرد اولاً به اندازه‌ی شبکه‌ی پیوندهایی بستگی دارد که او می‌تواند به طرزی مؤثر بسیج کند، ثانیاً وابسته است به حجم سرمایه (اقتصادی، فرهنگی و یا نمادین) در تصرف کسانی که وی با آنان مرتبط است. به نظر بوردیو تطابقی بین موقعیت طبقاتی افراد و رفتارهای آنان وجود دارد. در واقع بین جایگاه اجتماعی افراد در جامعه و نوع سلیقه‌ها و رفتارهای آنان هماهنگی وجود دارد (مثلاً افراد طبقه‌ی بالا نوع خاصی از موسیقی‌ها، ورزش‌ها، گرایش‌های سیاسی را ترجیح می‌دهند). او اعتقاد دارد که در هر دوره و جامعه‌ای با مجموعه‌ای از موقعیت‌های اجتماعی روبرو هستیم که با یک رشته از ثروت‌ها یا فعالیت‌ها زیر چتر واحد گرد هم می‌آیند. به نظر بوردیو این فرمول که ممکن است انتزاعی و مبهم باشد اولین شرط خوانش معتبر از تحلیل میان جایگاه اجتماعی افراد و امکانات آنها است. در واقع میان شبکه روابط اجتماعی و رفتارهایی که عاملان اجتماعی انتخاب می‌کنند رابطه وجود دارد. اما او این رابطه را تنها علامت تمییز یا خط فاصله‌ای می‌داند که اعضای یک طبقه با دیگران دارند. در واقع افراد یک طبقه زیر چتر واحدی هستند اما از دیگران متفاوت هستند و این فضای اجتماعی به این شکل ساخته می‌شود که گروه‌ها و عاملان اجتماعی براساس جایگاهشان اول بر اساس میزان کلی سرمایه‌ای که در شکل‌های متفاوت آن دارا هستند و دوم براساس ساختار سرمایه‌شان، یعنی براساس وزن نسبی هر یک از انواع

مختلف سرمایه، اقتصادی، فرهنگی که به صورت جداگانه دارا هستند، توزیع می‌شوند (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۴۷).

فوکویاما سرمایه اجتماعی را هنجاری غیر رسمی و جا افتاده می‌داند که باعث همکاری افراد می‌شود. در حقیقت وی هنجار همیاری و لزوم داشتن تعامل سازنده با دیگران را سرمایه اجتماعی قلمداد می‌کند. فوکویاما سرمایه اجتماعی را هنجارهای غیر رسمی که همکاری میان دو یا چند نفر را ارتقاء می‌بخشد می‌داند. هنجارهایی که سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند. از روابط متقابل میان دو نفر تا رسوم بسیار پیچیده و تنظیم شده‌ای همچون آئین مسیحیت یا کنفوسیوسی تنوع دارند. البته این هنجارها باید در رابطه انسانی واقعی جا افتاده باشند، هنجارهای متقابل به هنگام سر و کار داشتن با تمام مردم به طور بالقوه وجود دارد. اما تنها هنگام برخورد با دوستان بالفعل می‌شود. با توجه به تعریفی که ارائه می‌دهد، اعتماد، شبکه‌ها، جامعه مدنی و موارد دیگری که با سرمایه اجتماعی همراهند تماماً آثار و نتایج سرمایه اجتماعی هستند نه اجزای تشکیل دهنده آن. او معتقد است هر مجموعه از هنجارهای جا افتاده، سرمایه اجتماعی را تشکیل نمی‌دهند بلکه آنها باید به همکاری در گروه‌هایی منجر شوند و بنابراین با ارزش‌های معنوی سنتی چون صداقت، پابندی به تعهدات، قابل اعتماد بودن در انجام وظیفه، روابط متقابل و نظایر آن مرتبط شوند، آنگاه ما می‌توانیم شاهد افزایش میزان اعتماد و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی جهت پاسخگویی به نیازهای افراد باشیم. فوکویاما برای بررسی همه جانبه سرمایه اجتماعی دست به تقسیم‌بندی انواع کلی آن یعنی سرمایه اجتماعی بین گروهی و درون گروهی می‌زند. بنابر نظر فوکویاما هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند تقسیم‌پذیرند، یعنی می‌توانند تنها میان گروه معدودی از مردم یک اجتماع باشد، گروهی که ممکن است به کوچکی دو دوست باشند که با همدیگر تبادل اطلاعات می‌کنند یا در پروژه‌ای مشترک همکاری کنند و یا در مقیاس بزرگتری بین گروه‌های بزرگتر که اهداف مشترک دارند و می‌توانند حتی در مقیاس بزرگتری تمامی یک ملت را فرا گیرد. از تمام این مثالها تفاوت بین دو نوع سرمایه اجتماعی مشخص می‌شود. او برای روشن شدن نظراتش مفهوم شعاع اعتماد را مطرح می‌سازد، یعنی اینکه مردم تا چه میزان به افرادی که مشابه خودشان نیستند اعتماد دارند آیا تنها از افراد خانواده، دوستان و آشنایان حلقه‌ای به دور خود ساخته‌اند

که با دیگر حلقه‌های موجود در اجتماع همکاری مشترکی نداشته و گاهی نیز در تضاد قرار می‌گیرند و یا ممکن است شعاع اعتماد گستره وسیع‌تری را شامل شود و شعاع همکاری و همیاری با دیگر افراد جامعه را نیز در بر می‌گیرد. از نظر فوکویاما تمام گروه‌هایی که درون خود سرمایه اجتماعی دارند، شعاع اعتماد معینی دارند، یعنی دایره‌ای از افراد که در میانشان هنجارهایی مشترک وجود دارد. در واقع اگر سرمایه اجتماعی گروهی، پیامدهای مثبتی داشته باشد، شعاع اعتماد از خود گروه بزرگتر خواهد بود (فوکویاما، ۱۱: ۱۳۷۹-۱۲).

پاتنام سرمایه اجتماعی را شامل شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و اعتماد متقابل می‌داند که همکاری و هماهنگی برای منافع متقابل را تسهیل می‌کنند و امکان دستیابی به اهدافی را فراهم می‌کند که بدون آن غیر قابل دسترسی خواهد بود. او سرمایه اجتماعی را کالایی همگانی می‌داند که همچون دیگر اشکال سرمایه مولد است. از نظر پاتنام شبکه‌های اجتماعی در همه جوامع دو نوع هستند: شبکه‌های رسمی و شبکه‌های غیررسمی که به دو صورت افقی و عمودی، قابل مشاهده‌اند. در شبکه‌های افقی شهروندان از لحاظ موقعیت تقریباً از یک برابری نسبی برخوردارند. کنش‌های افقی موثر و قوی هستند و در قالب مشارکت مدنی افراد در گروه‌ها و انجمن‌های داوطلبانه، باشگاه‌های ورزشی و احزاب سیاسی نمایان می‌شود. اما در شبکه‌های عمودی با سلسله مراتب اقتدار که نابرابری محسوسی بین افراد مشارکت‌کننده است میزان مشارکت افراد نسبت به شبکه‌های افقی بسیار پایین‌تر است و این شاید به دلیل ضعف این شبکه‌ها در برقراری اعتماد بین افراد است که می‌تواند ناشی از جریان ناقص و ناسالم اطلاعات در شبکه‌های عمودی و عدم احتمال مجازات کافی بر مقامات عالی در اینگونه شبکه‌ها که بی‌اعتمادی را تقویت می‌کند باشد و بنابراین میزان مشارکت را کمتر می‌کند (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۰: ۳۷).

در دیدگاه پاتنام اعتماد یکی از اجزاء اصلی سرمایه اجتماعی است، که همکاری را تسهیل می‌کند. هر چه سطح اعتماد جامعه‌ای بالاتر باشد احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند. او بین دو نوع «اعتماد صمیمانه» و «اعتماد اجتماعی» تفاوت قائل است اعتماد صمیمانه (شخصی) یعنی اعتمادی که بین آشنایان نزدیک وجود دارد، اما در جوامع مدرن که روابط پیچیده‌تر و گسترده‌تر می‌شود. باید این اعتماد شخصی به اعتماد

اجتماعی تبدیل گردد. اعتماد اجتماعی در جوامع مدرن از دو منبع هنجارهای متقابل عمومیت یافته و شبکه‌های مشارکت مدنی ناشی می‌شود. هنجارها از طریق پایین آوردن هزینه معاملات اعتماد اجتماعی را تقویت می‌کنند و همکاری و مشارکت را تسهیل می‌کنند و روابط اجتماعی مداوم انگیزه‌هایی برای قابل اعتماد بودن ایجاد می‌کند. پانام اعتماد را هسته مرکزی سرمایه اجتماعی می‌داند، به طوری که اگر شهروندی به دیگری اعتماد کند آنها بیشتر می‌توانند از روی میل همکاری و مشارکت اجتماعی داشته باشند او تأکید می‌کند که جنبه‌های متفاوت اعتماد، تأثیر متقابل آنها و شبکه‌های اجتماعی به یکدیگر وابسته‌اند که وابستگی به یکدیگر سرمایه اجتماعی را تولید و باز می‌کند. مطالعات پانام در آمریکا کاهش سرمایه اجتماعی را نشان می‌داد که وی مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر کاهش میزان سرمایه اجتماعی را به صورت زیر برشمرد:

- ۱- کمبود زمان: برای ایجاد ارتباطات و مضیقۀ مالی در نتیجه ناامنی شغلی .
 - ۲- جا به جایی و پراکندگی: که باعث عدم شکل‌گیری روابط پایدار و مستمر با افراد محل و بنابراین سرمایه اجتماعی می‌شود .
 - ۳- تکنولوژی و رسانه‌های جمعی: زیرا افراد را در خانه خود و دور از دیگران نگه داشته است و اینترنت و وسایل و ابزارهای صنعتی جدید همه به ذره‌ای کردن افراد و به انزوا راندن آنها نقش اساسی داشته است.
 - ۴- تفاوت نسلها: که نسل فعلی آمریکا در شرایطی متفاوت با نسل انقلاب مدنی دهه ۶۰ را تجربه کرده و زندگی می‌کنند و بنابراین انگیزه‌های مشارکت را ندارند .
 - ۵- فروپاشی ساختار خانواده: خانواده سنتی آمریکا که اعضا را گرد هم می‌آورد و به آنها هویت جمعی می‌بخشید دگرگون شده و فرزندان دیگر روابط سابق را با والدین خود ندارند (پانام، ۱۳۸۰: ۳۰۰-۲۸۵ و ۱۹۰-۱۵۵ و پانام، ۱۳۸۴: ۱۱۳-۹۱).
- پوتنام معتقد است اگر شبکه‌های افقی مشارکت مدنی، به مشارکت جویان در حل مشکلات جمعی کمک می‌کنند پس هرچه ساختار یک سازمان افقی‌تر باشد قاعدتاً باید موفقیت نهادی را در اجتماع تقویت نمایند بنابراین عضویت در گروه‌های برخوردار از نظم افقی باید ارتباط مثبتی با حکومت خوب داشته باشد در نهایت پوتنام، با استفاده از مطالعات

خود تمایزی را بین دو شکل سرمایه اجتماعی مشخص می کند: سرمایه اجتماعی فراگیر و سرمایه اجتماعی اختصاصی (مبارکی، ۱۳۸۳: ۳۳-۳۲).

سرمایه اجتماعی فراگیر باعث گردآمدن افراد از تمام طبقات اجتماعی گوناگون به دور هم می شود هر شکل از این سرمایه ها به برآورده ساختن نیازهای متفاوت کمک می کند. سرمایه اجتماعی اختصاصی برای مجهز کردن روابط متقابل ویژه و فراهم نمودن انسجام مطلوب است و به عنوان نوعی از رابطه‌ی جامعه‌شناسی باعث حفظ و وفاداری درون گروهی و تقویت هویت های ویژه می شود. روابط فراگیر برای مرتبط ساختن سرمایه های خارجی و منتشر نمودن اطلاعات مطلوب است و موجب ایجاد هویت های گسترده و روابط متقابل وسیع می شوند (FIELD, 2003:32).

آنتونی گیدنز، اعتماد و تأثیر آن بر فرآیند توسعه را زیربنا و زمینه ساز اصلی در جوامع مدرن می داند، هر جا که سطح اعتماد اجتماعی بالا باشد مشارکت و همیاری مردم در عرصه های اجتماعی بیشتر و آسیب های اجتماعی کمتر است (اکبری، ۱۳۸۳: ۱۱).

کلمن معتقد است هر چه یک گروه اجتماعی دارای شعاع اعتماد بالاتری باشد، سرمایه اجتماعی بیشتری نیز خواهد داشت. رسانه های جمعی می توانند اعتماد اجتماعی اعضاء جامعه را تحت تاثیر قرار دهند. جیمز کلمن از جمله افرادی است که به تاثیر رسانه های جمعی بر اعتماد اجتماعی اعتقاد دارد. از نظر او کنشگران، افراد عاقلی هستند که بر مبنای محاسبه سود و زیان حاصل از کنش، به یک انتخاب عقلانی دست می زنند. اعتماد کردن مستلزم ارزیابی موقعیت کنش و میزان سود یا زیان حاصل از اعتماد و عدم اعتماد است. این ارزیابی همواره مبتنی بر مجموعه ای از اطلاعات است؛ زیرا اطلاعات میتواند برآورد ما را از احتمال منفعت به بالاتر از نقطه بحرانی انتقال دهد (کلمن، ۱۳۷۷: ۱۶۳-۱۵۷).

حمایت اجتماعی عبارت است از ادراک فرد از اینکه مورد توجه و علاقه دیگران بوده، از دیدگاه آنان ارزشمند است، چنانکه دچار مشکل و ناراحتی شود، سایر افراد مؤثر در زندگی اش (مثل دوستان و خانواده و همکاران) به او یاری خواهند رساند. بر طبق این تعریف حمایت اجتماعی مفهومی است که به دامنه ارتباطات متقابل بین فردی توجه دارد، و هر چه میزان مبادلات بین فردی بیشتر باشد، میزان حمایت اجتماعی که فرد دریافت می دارد، افزونتر

خواهد بود. عکس این رابطه نیز صادق است بنابر تعریف، حمایت اجتماعی دوجنبه یا دوعهد اساسی دارد:

الف: جنبه ذهنی: بعد ذهنی حمایت اجتماعی به تصویری اطلاق می‌گردد که فرد از افراد موثر دارد که قادرند به طور بالقوه در مواقع درماندگی و ناچاری وی را مساعدت نمایند. این جنبه در میزان عملکرد فرد تأثیر فراوانی دارد و یافته‌های تحقیقاتی حاکی از آن است که هرچه ذهنیت فرد در برخورداری از حمایت دیگران - حمایت بالقوه - بیشتر باشد میزان پاسخهای موفقیت آمیزی که به فشارهای روانی و موقعیت‌های بغرنج نشان می‌دهد، بیشتر است. برعکس، اگر فرد احساس کند که از حمایت اجتماعی کافی اطرافیان برخوردار نیست، احتمالاً آمادگی کمتری برای مقابله با خطر از خود نشان می‌دهد و ممکن است که به جای رویارویی با مشکلاتش به رفتارهای اجتنابی یا فرار متوسل شود.

ب: جنبه عینی: بعد عینی یا بالفعل حمایت اجتماعی به میزان واقعی مساعدتهای و همیاریهای ارائه شده به فرد بستگی دارد هر نوع تغییر یا بروز مصیبتی در زندگی فرد، از جمله منابع فشاری است که ممکن است موجب پریشانی و نگرانی فرد شود. حضور افراد موثر و مساعدت آنان تا حد قابل ملاحظه‌ای از شدت فشار روانی می‌کاهد و فرد را قادر به انطباق دوباره خواهد ساخت (بیگی‌فرد، ۱۳۷۸).

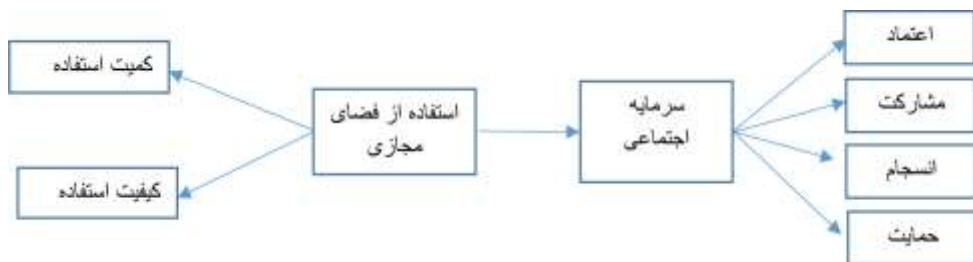
اما به طور کلی درباره تأثیر ظهور فضای مجازی بر سرمایه اجتماعی دو دیدگاه عمده و یک دیدگاه بینابینی وجود دارد که به اختصار در اینجا معرفی می‌شوند. هایدگر نگران پایان یافتن تفکر در فرآیند پردازش اطلاعات به طور عام، تغییر ماهیت بشر به موازات استفاده روز افزون از تکنولوژی در همه وجوه زندگی که با گسترش تکنولوژی خود را به صورت هر چه شدیدتر نمایان می‌کرد، بود (کازنو، ۱۳۸۴: ۵۲). از طرفی فضای مجازی می‌توانست تعاملات جهانی را تقویت کند و گسترش دهد، افراد را در خانه نگه دارد، نگاه آنان را به صفحات مانیتور خیره سازد و تعاملات و برقراری ارتباط با همسایگان را به فراموشی سپارد. این گروه از متفکران منتقد از سر شناخت، ناآگاهی یا صرفاً خشم، با نوعی مقاومت غیرفعال، پنهانی اما مؤثر با اشاعه فناوری‌های جدید اطلاعاتی مخالفت می‌ورزند (برتون، ۱۳۸۲: ۲۱).

دیدگاه دیگر اینترنت را بازتاب دهنده سرمایه اجتماعی می‌داند: به نظر گروهی از محققان، شبکه‌های اجتماعی که از طریق کامپیوتر حمایت می‌شوند، جامعه واقعی را از بین نمی‌برند بلکه به صورت عکس‌العملی و بازتابی عامل توسعه انواع جوامعی هستند که در جهان توسعه یافته، متداول و شایع شده است. مردم فضای مجازی را برای حفظ تماس‌های اجتماعی موجود خود به کار گرفته و با اضافه کردن تماس‌های الکترونیکی به تماس‌های حضوری یا تلفنی خود، همان سرگرمی‌ها و علائق سیاسی دنیای واقعی خود را به صورت برخط نیز ادامه می‌دهند. در این راستا، دو جامعه‌شناس به نام‌های دیوید نود و آتما معتقدند که تحت تأثیر فناوری اینترنت دسته‌ای از فضاهای مصنوعی به وجود آمده‌اند که در واقع خالی هستند و لازم است تا کاربران آنها در مکان‌های خالی عضو شده، ابتدا فضای تعاملی را بسازند و بعد از آن بهره‌گیرند. واقعیت مجازی جدیدی که این گونه سزاوار آن است که به تدریج با واقعیت و دنیای فیزیکی ما پیوند بیشتری بخورد. به زعم نود و آتما، در دنیای مجازی درست همان چیزهایی که در دنیای واقعی وجود دارند، موجود است و جهان فیزیکی و جهان مجازی روز به روز در یکدیگر آمیخته‌تر شده و بیشتر به سمت یکی شدن پیش می‌روند. نود و آتما با استناد به پژوهش‌های متعدد بر این باورند که همبستگی قابل توجهی میان وضعیت افراد دردنیای واقعی و دنیای مجازی آن‌ها به چشم می‌خورد. آن‌هایی که در دنیای واقعی موفق‌تر هستند عمدتاً همان گروهی هستند که در دنیای مجازی نیز موفق‌تر عمل کرده و بیشترین احساس رضایت را دارند. حتی تعداد دوستانی که فرد در دنیای واقعی دارد به شدت با تعداد دوستانی که در فضای مجازی دارد همبستگی نشان می‌دهد (نود و آتما، ۲۰۰۶: ۵۳).

هابرماس جامعه‌اطلاعاتی و جهانی شدن رسانه‌ای را در مقابل «حوزه عمومی» مورد توجه قرار داده است. وی اینترنت را محیطی می‌داند که یک حوزه و فضای عمومی را در جامعه فراهم کرده است. حوزه عمومی هابرماس عرصه‌ای است که در آن حضور افراد در مباحثات باز و علنی و کنش ارتباطی از طریق بیان و گفتگو تحقق می‌یابد. این حوزه فقط در جامعه‌های باز و مردم‌سالار شکوفا می‌شود، قدرت در آن دخالتی ندارد و در این فضا گفتگوها به صورت آزادانه انجام شده و افراد می‌توانند مسائل مورد علاقه خود را مطرح کنند. در نگاه هابرماس شبکه ارتباطی اینترنت مدت‌هاست که به عنوان یک حوزه عمومی جدید مطرح شده و هر چند

به نظر بعضی‌ها آن فقط یک حوزه عمومی مجازی است، ولی با این حال این حوزه به شدت در حال رشد است (ساروخانی، بابایی فرد، ۱۳۹۱:). براساس همین مباحث نظری در خصوص فضای مجازی و نقش آن در سرمایه اجتماعی افراد در خانواده‌ها، در این پژوهش چگونگی تاثیر این مسئله بر ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است.

مدل نظری پژوهش



فرضیه اصلی این پژوهش بدین شرح است

استفاده از فضای مجازی بر سرمایه اجتماعی افراد در خانواده‌ها تاثیر گذار است.

روش پژوهش

روش پژوهش در این پژوهش با توجه به ماهیت و موضوع پژوهش، به گونه‌های توصیفی، تحلیلی است که از جهت نوع پژوهش در زمره پژوهش‌های کاربردی و در زمره تحقیقات پیمایشی مقطعی قرار می‌گیرد. جامعه آماری در این پژوهش کلیه خانواده‌های شهر اصفهان می‌باشند که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ این تعداد ۵۷۹۳۰۲ خانواده گزارش شده است و حجم نمونه مطلوب برابر ۳۸۴ خانواده محاسبه شده است. با توجه به احتمال دریافت پرسشنامه‌های ناقص و با توجه به موضوع پژوهش و عدم وجود آمار دقیق در خصوص تعداد خانواده و جهت رفع این نواقص تعداد ۴۰۰ خانواده انتخاب شدند با در نظر گرفتن ملاک ورود به پژوهش که همانا حضور اعضای خانواده که شامل پدر، مادر و فرزند است، تعداد پرسشنامه‌های توزیع شده ۱۲۰۰ نفر است. که از این تعداد با حذف پرسشنامه‌های مخدوش و

ناقص تعداد ۱۱۵۲ پرسشنامه که شامل اعضای ۳۸۴ خانواده می‌شود در اختیار پژوهشگر قرار گرفته تا فرآیند تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام شود. شیوه نمونه‌گیری در پژوهش حاضر سهمیه‌ای و بر اساس محله مسکونی صورت گرفته است. ملاک سن فرزندان بدلیل اجازه استفاده از فضای مجازی از سوی والدین در نظر گرفته شده است. متغیر مستقل، استفاده از فضای مجازی در بعد کمیت توسط ۳ گویه و در بعد کیفیت توسط ۸ گویه سنجیده شد و متغیر وابسته، سرمایه اجتماعی خانواده ۱۹ گویه مورد سنجش قرار گرفت. شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها بر مبنای روش کمی بوده است. جهت انجام محاسبات آماری که عمدتاً مربوط به اطلاعات پرسشنامه است از نرم افزار spss استفاده شده است جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش و آزمون مدل مفهومی از مدل‌سازی معادله ساختاری با تأکید بر پارامتر و مدل‌های دو متغیره و چند متغیره استفاده شده است. همچنین جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار کامپیوتری SPSS و برای آزمون مدل‌سازی معادله ساختاری از برنامه Amos:18 استفاده شده است.

برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. در تحقیق حاضر با استفاده از داده‌های آزمون مقدماتی (پیش آزمون) و به کمک رایانه و نرم‌افزار spss، میزان آلفای کرونباخ برای متغیرهایی که تهیه شده بودند محاسبه شد. این محاسبات در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱- ضرایب آلفای کرونباخ برای متغیرهای پرسشنامه

برآورد دقت اندازه‌گیری	مقیاس		سازه
	مطالعه نهایی		
۰/۷۰۴	والدین	سرمایه	وابسته
۰/۷۰۳	فرزندان	اجتماعی	
۰/۷۲۷	والدین	استفاده از	مستقل
۰/۷۰۲	فرزندان	فضای مجازی	

یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر درصدد تحلیل جامعه‌شناختی تاثیر فضای مجازی بر سرمایه اجتماعی افراد در خانواده‌های شهر اصفهان بوده است. بدین منظور در ابتدا با رویکردی جامعه‌شناختی به مطالعه نظریات اندیشمندان اجتماعی در این زمینه پرداخته شد، و مهمترین تاثیرات فضای مجازی را بر سرمایه اجتماعی در خانواده‌ها مشخص گردید. سپس با استفاده از رویکرد مطالعات کمی و بکارگیری روش توصیفی-میدانی و با استفاده از ابزار پرسشنامه‌ی محقق ساخته به جمع‌آوری اطلاعات از جامعه مورد مطالعه و آزمون فرضیات متناسب با مسئله مورد بررسی پرداخته شد.

فرضیه پژوهش

استفاده از فضای مجازی بر سرمایه اجتماعی خانواده موثر است.

فرضیه‌های آماری:

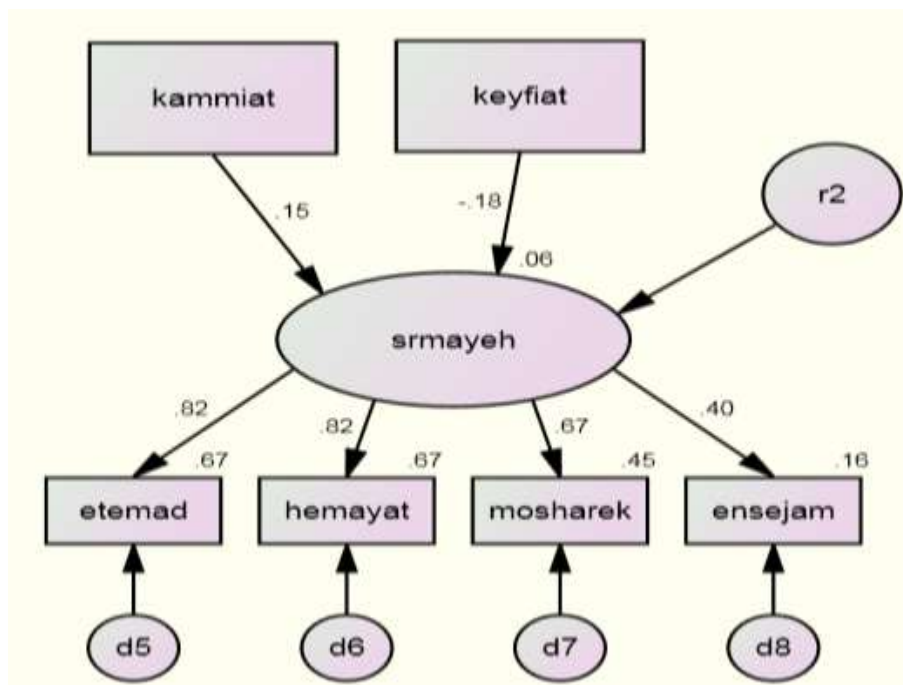
H_0 : $\hat{\gamma} = 0$. استفاده از فضای مجازی بر سرمایه اجتماعی خانواده تاثیری ندارد.

H_1 : $\hat{\gamma} \neq 0$. استفاده از فضای مجازی بر سرمایه اجتماعی خانواده مؤثر است.

جدول ۲- برآوردهای استاندارد و غیر استاندارد در سطح استنباطی برای بررسی تاثیر استفاده از فضای مجازی بر سرمایه اجتماعی خانواده

ضریب تعیین	سطح معناداری	نسبت بحرانی	خطای معیار	برآورد غیر استاندارد	برآورد استاندارد	روابط متغیرها
۰/۰۵۵	۰/۰۰۹	۲/۶۰۴	۰/۱۸	۰/۰۴۶	۰/۱۵۳	سرمایه اجتماعی خانواده-- کمیت
	۰/۰۰۴	۲/۹۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۹	-۰/۱۱۸	سرمایه اجتماعی خانواده-- کیفیت

مدل معادله ساختاری جهت تعیین مقدار تأثیر استفاده از فضای مجازی بر سرمایه اجتماعی خانواده.



جهت آزمون این فرض از مدل ساختاری استفاده شده است. در نمونه آماری، و کیفیت استفاده از فضای مجازی، ($\hat{\gamma} = -0/118$) بر سرمایه اجتماعی خانواده تاثیر داشته و کمیت استفاده از فضای مجازی، ($\hat{\gamma} = 0/153$) بر سرمایه اجتماعی خانواده موثر بوده است. پس در نمونه آماری متغیر مستقل بر متغیر وابسته یعنی سرمایه اجتماعی خانواده تأثیر دارد. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که کیفیت و کمیت استفاده از فضای مجازی، بر سرمایه اجتماعی خانواده تاثیر داشته است. بدین معنا که هرچه میزان استفاده از فضای مجازی بیشتر باشد سرمایه اجتماعی که ناشی از ارتباط افراد در دنیای واقعی و ارتباطات رودر رو است، کاهش پیدا می کند. سطح معناداری محاسبه شده کمتر از $0/05$ ، $0/009$ و $0/004$ ($p = 0/004$) است. بنابراین فرضیه صفر رد می شود؛ یعنی متغیر مستقل بر متغیر وابسته در جامعه آماری

حاضر، تأثیر می‌گذارد. میزان ضریب تعیین $0/055$ است بدین معنا که مدل مفروض $5/5$ درصد از تغییرات سرمایه اجتماعی خانواده را توضیح می‌دهد. در جدول فوق برای متغیر کمیت استفاده از فضای مجازی و سرمایه اجتماعی خانواده برآورد غیراستاندارد $0/046$ ، برآورد استاندارد $0/153$ ، خطای معیار ($S.E = 0/18$) و نسبت بحرانی ($C.R = 2/604$) و برای متغیر کیفیت استفاده از فضای مجازی و سرمایه اجتماعی خانواده برآورد غیراستاندارد $0/09-$ ، برآورد استاندارد $0/118-$ ، خطای معیار ($S.E = 0/003$) و نسبت بحرانی ($C.R = -2/901$) است.

نتیجه‌گیری

عصر جدید عصر ارتباطات انسانی است و این ارتباط ابعاد گوناگونی را در بر می‌گیرد. از آنجا که فضای مجازی همواره حامل پیامها و اطلاعات متنوعی است نقش مهمی در ایجاد ارتباط ایفا می‌کند. با توجه به اینکه فضای مجازی یک رسانه یک سویه نیست افراد در معرض فرهنگ‌ها و گفتمان‌های متعدد قرار می‌گیرند و در برابر آنها مقاومت دارند. کلمن معتقد است فضای مجازی ممکن است کنش‌های افراد در سطح جامعه تضعیف کند. او همچنین معتقد است که رسانه‌های جمعی اعتماد اجتماعی افراد در جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از نظر او رسانه‌های جمعی به عنوان واسطه اعتماد در جوامع مدرن عمل می‌کنند، به طوریکه افراد به قضاوت آنها در مورد امور مختلف اعتماد می‌کنند. حمایت اجتماعی به معنای مراقبت و همدردی با شخص دیگر یا گوش دادن یا بودن در آنجا زمانی که او به یک دوست نیاز دارد است، به عبارت دیگر حمایت اجتماعی را به معنای در دسترس بودن تلقی می‌کند، آنچه که با وجود ارتباط از طریق فضای مجازی نمی‌توان به آن دست یافت. فضای مجازی به دلیل آنکه ارتباط رودر رو را با اختلال مواجه می‌کند باعث تضعیف حمایت اجتماعی می‌شود. در حقیقت فضای مجازی مرزهای فضا و زمان را در هم شکسته و دگرگونی عظیمی در تعاملات ایجاد کرده که براساس پیوند شبکه‌های مبتنی بر منافع اجتماعی است. فضای مجازی با ایجاد اشکال جدید در تعاملات انسانی، فراهم آوردن زمینه و فضای ملاقات برای افراد دارای علایق مشترک، غلبه بر مرزهای زمان و مکان، بازسازی حیات اجتماعی را در دستور کار دارد. همچنین فضای مجازی نه تنها فرصت تماس با دوستان و خویشان را با هزینه‌های اندک فراهم

می‌کند، بلکه با آگاهی اعضای شبکه از نیازهای یکدیگر، به سهم خود ارتباطات افراد و حتی مشارکت‌های آنان را در امور مختلف جامعه افزایش می‌دهد، بنابراین با نگاهی خوشبینانه می‌توان گفت فضای مجازی از جنبه‌هایی ممکن است منجر به افزایش سرمایه اجتماعی گردد، اما گاهی تعاملات به شکلی دیگر برقرار می‌شود، به طوری که در پاره‌ای از مواقع فضای مجازی بیش از هر رسانه دیگری به عنوان عامل تغییر در زندگی روزمره مطرح می‌شود، زیرا افراد و سازمان‌ها را به فضایی هدایت می‌کند که در مقابله با واقعیت قرار دارد. در این شرایط استفاده از آن مانع توجه افراد به اجتماع واقعی می‌شود و تعاملات شبکه‌ای مردم از میزان ارتباط حضوری و مستقیم آن‌ها پیشی می‌گیرد. در این حالت کاربران به دلیل جذابیت دنیای مجازی از دنیای واقعی دور شده و ارتباط خود را با آن قطع می‌کنند. این امر انزوای اجتماعی کاربران را به دنبال دارد. از طرفی به دلیل اینکه افراد دیگری در فضای مجازی با این کاربران در ارتباط هستند حضور فعال کاربران در فضای مجازی آنها را از دنیای واقعی اطراف خود دور کرده و باعث ایجاد نوعی انزوای اجتماعی ثانویه برای سایر افراد در خانواده می‌شود. بنابراین حاضران در دنیای واقعی به ناچار به فعالیت‌های شخصی می‌پردازند بدین ترتیب ریشه‌های همبستگی کمرنگ شده و زمینه بروز افسردگی و انزوای اجباری ناخواسته در این افراد فراهم می‌شود. افراد با حضور در فضای مجازی با یکدیگر پیوند برقرار می‌کنند، اما این پیوندهای مجازی «به ندرت» به ترویج دوستی‌های عمیق، حمایت‌های عاطفی اثرگذار و ارائه کمک‌های مادی واقعی منتهی می‌شود. از این منظر، کار با فضای مجازی نه تنها زمان پرداختن به سایر فعالیت‌ها را کاهش می‌دهد بلکه توجه افراد را از محیط اطراف خود نیز باز می‌دارد و منجر به منزوی شدن آنها می‌شود. پوتنام می‌گوید: «فناوری نقش اساسی را در خصوصی شدن فزاینده تجربه دارد که به نوبه خود منجر به شکل‌گیری جامعه‌ای متفرق و بی‌سامان می‌شود، جامعه‌ای که در آن حفظ روابط سنتی دشوار است و روابط بین انسان‌ها متزلزل‌تر می‌شود. اینکه چگونه فضای مجازی می‌تواند بر سرمایه‌های اجتماعی تأثیر بگذارد، حائز اهمیت است. پوتنام سرمایه اجتماعی را در شکل دیگری نیز تعریف می‌کند او، سرمایه شبکه‌ای را جهت برقراری رابطه با دوستان، همسایگان، خویشاوندان و همکارانی که به تبادل کالاها و خدمات و اطلاعات مفهومی مشغول هستند، مطرح می‌کند. تئوری سرمایه اجتماعی پوتنام می‌گوید:

یک وجه سرمایه اجتماعی را می‌توان شبکه اجتماعی دانست که براساس هنجارهای متقابل و اعتماد شکل گرفته است. این شکل اجتماعی دارای ارزش واقعی برای تمام کسانی است که عضو این شبکه هستند. عضو یک شبکه اجتماعی بودن ارزش‌های فردی و گروهی را اعتلاء می‌دهد و خود تبدیل به یک ارزش می‌شود، اما در عین حال این سرمایه ابزاری و یا سرمایه شخصی (تحصیلات و هنرها) که دارای ارزش‌های مختلف (از مثبت تا منفی) هستند، می‌توانند چهره‌های متضادی از خود ارائه دهند که باعث منزوی شدن کاربران شبکه‌های اجتماعی مجازی گردد که تهدیدی برای زندگی اجتماعی کاربران خواهد بود. ارتباطات بیش از اندازه افراد در فضای مجازی منجر به کاهش سرمایه اجتماعی میشود چرا که افراد را از محیط واقعی خود دور کرده و ارتباطات رودر رو را کاهش می‌دهد، اما حضور افراد در فضای مجازی و ارتباط با سایر کاربران در دنیای مجازی باعث ایجاد حس همبستگی و مشارکت در فعالیت‌های مختلف اجتماعی سیاسی فرهنگی و اقتصادی می‌شود که از طریق فناوری ارتباطات برای افراد فراهم میشود. در این شرایط استفاده از فضای مجازی باعث افزایش سرمایه اجتماعی شبکه‌ای افراد گردیده و میتواند به همبستگی اجتماعی در همان فضا منجر شود. آنچه مسلم است مهمترین فرآیند رشد و تربیت افراد جامعه پذیری است که حین آن افراد ارزشها و الگوهای رفتاری را می‌آموزند و در جریان تعامل با دیگران به کار می‌برند. در این میان نقش خانواده و نظام آموزشی در انتقال این بخش از فرهنگ بسیار مهم است به همین دلیل اعضای خانواده در جامعه ایرانی امروز نیازمند آموزش مهارت‌های زندگی است. آموزش مدرن و سازمان یافته در مدارس، دانشگاه‌ها به نوجوانان و جوانان و استحکام بخشیدن به رابطه‌های فراالکترونیکی در قالب طرح‌های اجرایی مثبت و آموزش‌های مرتبط با نحوه استفاده درست جوانان و نوجوانان از فضای مجازی ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- ۱- احمدی، مجید (۱۳۸۳)، دین علیه ایمان، انتشارات کویر، چاپ اول، تهران.
- ۲- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا؛ (۱۳۸۲) توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، نشری نی، تهران.
- ۳- اکبری، امین، نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اجتماعی تهران، ۱۳۸۳..
- ۴- برتون، فیلیپ، (۱۳۸۲)، آیین اینترنت: تهدیدی برای پیوند اجتماعی؟، ترجمه علی اصغر سرحدی و ن جمشیدی، تهران، انتشارات امیر کبیر
- ۵- بوردیو، پیر. (۱۳۸۴)، شکل های سرمایه، در سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی، یحیی کیان تاجبخش، تهران: شیرازه
- ۶- بیکر، جی اس. (۱۳۸۲)، سرمایه اجتماعی و مدیریت، ترجمه مهدی الوانی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
- ۷- بیگی فرد، سلیمه. (۱۳۷۸) «بررسی ارتباط ویژگی شخصیتی سخت رویی و حمایت اجتماعی با فرسودگی شغلی در بین کارمندان مراکز توانبخشی بهزیستی شیراز» پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.
- ۸- پاتنام، روبرت. (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه سلام.
- ۹- چلبی، مسعود و مبارکی، محمد. (۱۳۸۴)، «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره دوم.
- ۱۰- دوران، بهزاد، ۱۳۸۱، تاثیر فضای سایبرنتیک بر هویت اجتماعی، پایان نامه دکترای جامعه شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۱- ریتزر، جورج. (۱۳۸۶)، نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ۱۲- زمان، لیلا. (۱۳۷۸)، اثرات استفاده از اینترنت و ماهواره بر رفتارهای اجتماعی و مشارکت

- اجتماعی جوانان شهر اصفهان، رساله کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهرا.
- ۱۳- ساروخانی، بابایی فرد. (۱۳۹۱)، اینترنت، جهانی شدن و هویت فرهنگی جوانان در ایران، چالش‌ها و فرصت‌ها، تهران: نشر دیدار.
- ۱۴- عباسی، قادی. (۱۳۸۶)، بررسی رابطه استفاده از اینترنت و هویت دینی کاربران، فصلنامه رسانه شماره ۶۹.
- ۱۵- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان.
- ۱۶- کازنو، ژان. (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۱۷- کلمن، جیمز، (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری نشر نی، تهران.
- ۱۸- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). الف، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد ۱: ظهور جامعه شبکه‌ای، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران، طرح نو.
- ۱۹- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد ۲: قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، طرح نو.
- ۲۰- کیخایی، الهام، (۱۳۹۲). تحلیل جامعه‌شناختی چالش‌های فرهنگی اجتماعی شبکه‌های اجتماعی مجازی بر کاربران جوان در شهر اصفهان: پلین نامه کارشناسی ارشد.
- ۲۱- گنجی، احمد. (۱۳۸۵). بررسی الگوی کاربران اینترنت و عوامل اجتماعی موثر بر آن، مطالعه موردی، نوجوانان و جوانان شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش در علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۲۲- محسنی، منوچهر، دوران، بهزاد، سهرابی حقیقت، محمدهادی. (۱۳۸۵)، بررسی اثرات استفاده از اینترنت برانزوای اجتماعی کاربران اینترنت (در میان کاربران کافی نت‌های تهران)، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴.
- ۲۳- مک کوئیل، دنیس. (۱۳۸۲)، در آمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ۲۴- ولکاک، مایکل و ناریمان، دیبا. (۱۳۸۴)، «سرمایه اجتماعی و تبعات آن برای نظریه توسعه،

پژوهشی و سیاستگذاری»، در سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی، یحیی کیان
تاجبخش، تهران: شیرازه.

- 25- Field, John.2003. "social capital," London: Routledge.
- 26- Ford, M. E(1985)." Social Cognition and Social Competence in Adolescence". Developmental Psychology.Vol. 18, pp. 323-340.
- 27- Kizza , Joseph.migga (1998)Ethical and social Issues in the information Age. New York: springer-verlag.
- 28- Laughey, Dan (2007), Key Themes in Media Theory, McGraw Hill Publication..
- 29- Nood.D.& Attem a,J.(2006).Secondlife:The second life of virtual reality.(s.v Everding. Trans).Epn-ElectronicHigh way platform,Retrieved1 December 2006.
- 30- Rantanen,terhi 2006;the media globalization,London,Thousand Oaks, New Delhi,pine forgs press.
- 31- www. Wikipedia.org
- 32- www.sciencedirect.com
- 33- www.isfahan.ir
- 34- www.amar.org.ir
- 35- www. SID. iR
- 36- www. //http.google.com
- 37- scholar.google.com